



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی

سال دوم / شماره پنجم / پاییز ۱۳۹۹



از شهر تا تمدن، واکاوی معنای مدنیت و تمدن؛ مطالعه موردی سوره بقره

ندا جعفری فشارکی^۱

(۱۰-۳۳)

چکیده

انسان پیوسته به دنبال زندگی بهتر بوده، این تلاش از کوچ انسان‌ها به غار آغاز شده و امروز با برگزاری کرسی‌های علمی ادامه یافته است. عناصر متعددی چون محیط زندگی و تعالیم ادیان بر تحولات زندگی بشر اثر گذار بوده است. شناخت سیر تحولات زندگی بشر و عبرت آموزی از شکست‌ها و پیروی از موفقیت‌ها با شناخت دقیق و روشمند میسر می‌شود. تغییر محیط زیست انسان‌ها از زندگی قبیله‌ای و روستایی به زندگی شهری و تغییر فرهنگ مردم با قوانین عرفی، حکومتی و دینی مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری تمدن‌ها در طول تاریخ بوده است. در این پژوهش، پس از بررسی معنا و کاربرد دو واژه مدنیت و تمدن، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط در سوره مبارکه بقره با روش تحلیل کیفی مضمون بررسی و گزارش مختصر آن ارائه شده است. نتیجه مطالعه اولین سوره نازل شده در شهر مدینه با توجه به رویکرد تمدنی آن، گواه آن است که پیامبر اکرم (ص) با توجه به شرایط جامعه ابتدا باور مردم مدینه نسبت به جایگاه الهی خود را در مقابل شبهات یهودیان تبیین نموده و سپس با وضع قوانین جزایی و عبادی وضعیت جامعه را سامان داده و با تعالیم خویش، تلاش کرده خودخواهی‌ها را به دیگر خواهی مبدل کند.

واژگان کلیدی: قرآن، تمدن اسلامی، معنای مدنیت، معنای تمدن و سوره بقره.

۱- دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث قم - nedajf@gmail.com

مقدمه

دو واژه مدنیت و تمدن، اگر چه از یک ریشه هستند و گاهی مترادف یکدیگر استعمال شده‌اند، در حقیقت نسبت مقدم و مؤخر با هم دارند. از آنجا که بحث‌های تمدنی در سده‌های اخیر بسیار مورد توجه محققین بوده و هست، استخراج نظریه تمدنی اسلام با توجه به وسعت تحولاتی که در دوران‌های مختلف ایجاد کرده، ضرورت می‌یابد. عنوان "عصر جاهلیت" و تصویری که در اذهان از زندگی بدوی جامعه هم عصر رسول خدا(ص) سایه افکنده، موجب شده عده‌ای این تعالیم را منحصر به آن زمان و اقتضائات آن، بدانند. از طرفی، تعارض نام گذاری شهر یثرب به "مدنیه" توسط رسول خدا(ص) با این ادعا مشهود است. به راستی چه نسبتی میان شهرنشینی و تمدن اسلامی که پیامبر اکرم(ص) با بهره از آیات قرآن تاسیس نمودند، برقرار است؟

پاسخ این سؤال مستلزم تبیین مفهوم مدنیت و تمدن و استخراج شاخص‌های آن دو و بررسی تطبیقی با نظام تاسیس شده توسط رسول خدا(ص) است. فهم و تحلیل اقدامات رسول خدا(ص) نیز، نیازمند توجه به بستر زمانی و فرهنگی عصر ایشان و بررسی تاثیر آموزه‌ها و تعالیم ایشان بر زندگی مردم آن روزگار است. تغییر روابط قبیله محور مردم به قواعد نظام شهری با قانون‌های جزایی فردی و اجتماعی یکی از اصول اقدامات تمدنی رسول خدا(ص) است.

در این پژوهش پس از بررسی معنای مدنیت و تمدن و استخراج شاخص‌های آنها، مضامین اولین سوره مدنی (سوره بقره) بررسی شده تا شاخص‌های اصلی تمدن توحیدی با استفاده از مدلول و مضامین مکنون در آیات این سوره تبیین شوند. هدف این پژوهش تبیین اولین بارقه‌های گفتمان (منظومه فکری) تاسیس تمدن توحیدی است که با روندی پیوسته و متناسب با نیاز مردم عصر نزول در سوره بقره تبیین شده است.

هر چند برای طبقه بندی داده‌ها محتاج مطالعه دقیق تفاسیر موجود هستیم، اما با توجه به هدف تحقیق که توجه به رویکرد تمدن سازی در سوره مبارکه بقره است از پرداختن و بیان نکات تفسیری ذیل آیات اجتناب شده است.

تعریف مدنیت و تمدن و نسبت آنها

الف) مدنیت: اصل این واژه عربی و از ریشه «م د ن» می‌باشد، واژه مدینه بر وزن فَعِیْلَة به معنای سرزمینی که پیرامون آن حصن ساخته شده (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۴۰۲) و در صورت منسوب شدن به رسول الله (ص) شهر مدینه مد نظر می‌باشد، جمع آن مُدُن و مُدُن و مَدَائِن است. چنانچه به مدینه - شهر رسول الله (ص) - نسبت داده شود، مَدَنی و چنانچه به شهر دیگری نسبت داده شود مَدِیْنی ساخته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۵۳؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۲۰۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۷۶)

ابن فارس در قرن چهارم ذیل ریشه «م د ن» مدعی شده تنها کلمه مدینه بر وزن فَعِیْلَة مستعمل است که جمع آن مُدُن می‌باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۳۰۶) این واژه در معجم‌های معاصر با تلفظ مَدَنِیَّة^۱ از ریشه «م د ن» با هیئت مصدر صناعی^۲ به معنای پیشرفت و آبادانی استعمال شده است. (عبدالقادر، مصطفی، نجار و زباب، ۱۳۸۷، نسخه الکترونیکی) دهخدا این واژه را با تلفظ مَدَنیت، مصدر جعلی دانسته و آن را به معنای انتساب به شهر و مدینه تبیین کرده. در فرهنگ معین تلفظ مَدَنِیَّت با تشدید «یاء» و به معنی شهرنشینی و تمدن گزارش شده است. واژه مدنیت در زبان فارسی از دو بخش «مدن» و «یت» تشکیل شده که به آن مصدر جعلی^۳ می‌گویند. (یوسفی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۹؛ شریعت، ۱۳۷۶: ۱۳۰؛ ذوالنور، ۱۳۷۳: ۱۰۴) از آنجا که «مدن» در زبان عربی جمع مدینه است، پس تلفظ صحیح آن در زبان فارسی مَدَنیت می‌باشد. به کاربردن واژه مَدَنِیَّت در صورتی صحیح است که این واژه به عنوان واژه دخیل شمرده شده و حرف «یاء» مشدد خوانده شود. (معین، ۱۳۹۱: ذیل کلمه مدنیت)

۱- در شرایط ساخت اسم منسوب گفته شده منسوب الیه نباید «تاء» تأنیث و علائم تثنیه و جمع داشته باشد، بنابراین از واژه مُدُن مصدر صناعی ساخته نمی‌شود. همچنین ما قبل «یاء» نسبت، همواره مکسور است در وزن فَعِیْلَة برای سهولت تلفظ اسم منسوب مدینه به صورت مَدَنِی استعمال می‌شود. (دحداح، ۱۳۸۵: ۴۸)

۲- لفظی است تبدیل شده به اسم منسوبی که «تاء» تأنیث دارد و پس از افزوده شدن «تاء» تأنیث معنای مصدری یافته است. (دحداح، ۱۳۸۵: ۳۶۱)

۳- مصدری که با افزودن پسوند «یت» به دنبال برخی اسم‌های فارسی و عربی و ... تحت تأثیر قواعد ساخت مصدر صناعی زبان عربی در زبان فارسی رایج شده است.

این واژه در محاورات و نوشته‌های فارسی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، حقیقت این است که در علوم مختلف مفهوم آن با قبض و بسط به کار رفته است. اغلب معنا و مفهوم آن را محدود به شهرنشینی و اقتضانات فرهنگی آن دانسته و برخی آن را هم‌طراز تمدن معنا کرده‌اند. هزار سال قبل فارابی کتبی با نام‌های «السیاسة المدنیة» و «آراء اهل المدینة الفاضلة» در ارتباط با امور مختلف اداره زندگی مدنی نگاشته است. ابن خلدون نیز، مدنیت را این گونه تعریف کرده: «اجتماع نوع انسان، ضروری است و حکیمان این معنی را بدین سان تعبیر می‌کنند که انسان دارای سرشت مدنی است؛ یعنی ناگزیر است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند و معنای عمران همین است.» (ابن خلدون، ۱۳۹۰، ج: ۱، ۱۲۹)

ب) تمدن: اصل این واژه عربی و ریشه آن «م د ن» است. این واژه، در کتب لغت کهن عربی استعمال نشده اما در معجم‌های معاصر، هیئت فعلی و اسمی آن به کار رفته است. (حیدری، ۱۳۸۱: ۷۰۱) برخی آن را ثلاثی مزید و از باب تفعّل دانسته‌اند (معجم الرائد و معجم الوسیط) برخی آن را خماسی لازم دانسته‌اند. (معجم الغنی) «مُتِمِّدِن» اسم فاعل باب تفعّل می‌باشد. (معجم الغنی) تمدن به معنای برگزیدن نوعی از زندگی است که اقتضانات زندگی مدنی را به فرد و جامعه منتقل می‌کند.^۱ در زبان عربی این واژه مترادف‌هایی همچون «مدنیت»، «ثقافة» و «حضارة» دارد که هیچ کدام از این واژه‌ها، در قرآن به کار نرفته است.

این واژه در علوم مختلف با تلقی‌های گوناگون به کار رفته است و گستره مفهومی آن ابعاد مادی و معنوی را در بر گرفته است. به یقین، تلقی افراد از این واژه، از گذشته تا حال دستخوش تغییرات بسیاری بوده و هنگام مطالعه و استعمال این واژه، باید به بستر زمانی و معنایی آن توجه داشته باشیم، زیرا کاربرد آن از معنای حادقلی تا معانی پیچیده و چند سطحی مشاهده می‌شود.

واژه «civilization» توسط دکتر ساموئل جانسون^۲ از سال ۱۷۷۲ وارد لغات زبان انگلیسی شد و سپس در سه سده اخیر، مصطلح شده و با توجه به کاربرد تاریخی آن، ابتدا برای جوامعی به کار رفته که از زندگی کوچ نشینی به زندگی یکجانشینی و شهری روی آورده‌اند اما به مرور، این اصطلاح به

۱- «به اخلاق مردم شهرنشین خوی گرفت، از جهل و نادانی به شهریگری و انسانیت تغییر یافت.» (بستانی، ۱۴۲۲: ۲۵۸).

۲- Samuel Johnson.

جوامع دارای نظام‌های متعدد، نسبت داده شده و علاوه بر جنبه‌های مادی جوامع به جنبه‌های معنوی نیز پرداخته شده است. (یکتایی، بی تا: ۸۹-۸۶) این واژه در زبان فارسی به تمدن و در زبان عربی حضارة ترجمه شده است. البته مسلمانان مانند فارابی و ابن خلدون سال‌ها قبل در خصوص تمدن در مفاهیم متفاوتی بحث کرده‌اند. خواجه نصیرالدین طوسی نیز در کتاب اخلاق ناصری واژه‌ی تمدن را به کار برده و گفته: «چون وجود نوع، بی معاونت صورت نمی‌بندد و معاونت، بی اجتماع محال است، پس نوع انسان بالطبع محتاج بود به اجتماع، و این نوع اجتماع را [که] شرح دادیم، تمدن خوانند و تمدن مشتق از مدینه بود و مدینه، موضع اجتماع اشخاص که به انواع حرفه‌ها و صناعت‌ها، تفاوتی که سبب تعیش بود، می‌کنند.» (طوسی، ۱۳۷۸: ۲۵۱)

ویلیام جیمز دورانت^۱ در کتاب تاریخ تمدن نوشته: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظمی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند.» (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴) شهید مطهری در تعریف تمدن گفته: «تمدن دو جنبه دارد، مادی و معنوی. جنبه مادی تمدن، جنبه فنی و صنعتی آن است که دوره به دوره تکامل یافته تا به امروز رسیده است. جنبه معنوی تمدن مربوط به روابط انسانی انسان‌ها است.» (مطهری، بی تا، ج ۲: ۱۶۹) و در جای دیگر گفته‌اند: «تمام استعدادات انسانی انسان که ما به الامتیاز وی از حیوان است از قبیل عالم شدن و تخلّق به فضائل اخلاقی و اقسام هنرها و صنایع و وضع قوانین و مقررات و بالاخره آنچه «تمدن» نامیده می‌شود، تمام این‌ها، اموری است و سرمایه‌هایی است که تنها در زمینه زندگی اجتماعی به وجود می‌آید.» (مطهری، بی تا، ج ۷: ۱۲۱)

اغلب، به ویژه در زبان انگلیسی و فرانسوی، تمدن و فرهنگ را معادل یکدیگر دانسته‌اند، فن هومبولت^۲ آلمانی این دو را متمایز دانسته و تمدن را روند «انسانی شدن خلق‌ها به لحاظ ظاهر و رسوم، و در پی آن منش و روحیات آنها» تعریف می‌کند. (راسخ، ۱۳۹۱: ج ۱، ۲۹) سایر تعاریف تمدن نیز، با اندکی کم و بیش نسبت به این تعاریف یا معرفی ارکان و ابعاد تمدن ارائه شده؛ وجود سازمان و نظم اجتماعی و پیشرفت مادی و معنوی در جامعه، نقطه مشترک اکثر تعاریف ارائه شده

^۱ . William James Durant.

^۲ . von Humboldt.

می‌باشد. در ادامه با توجه به قدر مشترک تعاریف، تعریف برگزیده تمدن با ذکر مقدمه‌ای بیان خواهد شد.

زندگی انسان‌ها طی قرون گذشته شاهد تغییر و تحولات بسیار بوده و تاریخ گواه آن است که بشر هم در بعد مادی و امکانات زندگی تحول و پیشرفت چشمگیری داشته و هم در بعد روابط انسانی با فراز و فرودهای بسیار، دستاوردهایی کسب کرده است. یکی از تحولات محسوس جوامع انسانی مربوط به جمعیت و روابط آن‌ها است، فردینلند تونیس^۱ اجتماع را یکی از صورت‌های زندگی اجتماعی که فرآورده اراده طبیعی و ارگانیک است و صور اولیه آن در اجتماعات همخون، روابط خویشاوندی، اجتماع محلی، همسایگی و ... مشاهده می‌شود، و جامعه را فرآورده انتخاب و برقراری روابط قراردادی تعریف می‌کند که از گرایش تکامل اجتماعی به وجود آمده است. (محسنی، ۱۳۶۹: ۴۴ و ۴۵) افراد هر جامعه فرهنگ^۲ مشترکی دارند، بنابراین، جامعه و فرهنگ جدای از یکدیگر نیستند. (کوئن، ۱۳۸۸: ۵۶)

هرچند این تغییرات در گذشته با عناوین متعددی معرفی شده اما در سه دهه اخیر، اصطلاح تمدن کاربرد ویژه‌ای در میان اندیشمندان داشته است. تمدن، اصطلاحی با مفهوم انتزاعی است که از یک سو باورها، منش‌ها و ارتباطات انسانی را در بر می‌گیرد و از دیگر سو، جغرافیا و امکانات زیستی بشر را، بنابراین، محدود کردن مفهوم تمدن به بخش دوم، این واژه را با حقیقت خارجی آن بیگانه می‌کند، همان گونه که تطبیق واژه تمدن بر مدنیت انسان‌ها در قرن‌ها پیش به دور از روح معنای کنونی تمدن است.

ج) مصادیق تمدن: امروزه اندیشمندان با کاویدن تاریخ، این اصطلاح نو پدید را به جوامع مختلف نسبت داده اند. نخست، برای هر جامعه پیشا تاریخ که تحولی نو در راستای زندگی بهتر یافته تمدن گفته‌اند، مانند تمدن دوران میانسنگی که انسان‌ها با تراشیدن سنگ سرپناه مناسبی برای زندگی غارنشینی یا جنگلی برای خود فراهم کردند، سپس به جوامعی که متکی به ارکان تمدن (زبان، دین، خط و عدد نویسی، دانش و هنر و صنعت) بوده‌اند مانند: تمدن آریایی که آثاری از آن‌ها در کاوش‌ها

^۱ . Ferdinand Tönnies.

۱۰ - مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضا یک جامعه معین.

به دست آمده و بر اساس محدوده جغرافیایی سکونت شان شناخته می‌شوند. سایر مصداق‌ها که به این نام شناخته می‌شوند تمدن‌های هند، روم، یونان، چین و مصر هستند. در تقسیم‌بندی دیگر، ادیان فصل‌میز انواع تمدن‌ها شمرده شده‌اند مانند: تمدن یهود، تمدن مسیحیت، تمدن اسلام و ... و در مطالعات نوین، اصطلاح تمدن در سطحی کلان‌تر و با توجه به دو بعد مادی و غیر مادی استعمال شده مانند: تمدن اروپایی، تمدن آمریکایی و ... (یکتایی، بی تا: ۸۶)

د) رابطه مدنیت و تمدن: مهم‌ترین تحولی که در جوامع انسانی در پیشا تاریخ رخ داده، محل و نوع سکونت انسان‌ها بوده، ایشان از مناطق نامناسب به مناطق حاصل‌خیز کوچ نموده و به مرور به جای زندگی کوچ‌نشینی، زندگی روستایی و سپس زندگی شهری را برگزیده‌اند که نتیجه آن، افزایش جمعیت و تغییر سبک زندگی آن‌ها بوده؛ این انتخاب‌ها، جوامع را با مسائل جدیدی مواجه نموده که می‌بایست برای آن‌ها تدابیری بیاندیشند، بنابراین، می‌توان مدنیت را سنگ بنای تحولات تمدنی نامید زیرا: اصلی‌ترین تغییری که انسان‌ها را وادار به اختراع و ابداع در دو بخش سخت و نرم تمدن نمود، شهرنشین شدن افراد بوده زیرا: در جوامع ابتدایی که انسان‌ها بر اساس روابط غریزی و خویشاوندی با افراد محدودی در ارتباط بودند تا مدت‌ها با یک نوع سبک زندگی، زیست می‌کردند. با افزایش جمعیت و بروز وقایعی چون محدودیت منابع یا افزون‌خواهی برخی افراد و گروه‌ها، ضرورت وضع قانون و صیانت از آن احساس شد. وضع قوانین به تنهایی برای پیشرفت وضعیت جوامع کافی نبود و می‌بایست قدرتی جهت مقابله با قانون‌شکنان وجود داشته باشد، این قدرت در جوامع اولیه و شکل سنتی خود به شکل رئیس قبیله و بعدها و در جوامع بزرگتر به صورت دولت‌ها مشاهده می‌شود. جامعه انسانی، قانون و سیستم رهبری اضلاع تشکیل‌دهنده تمدن هستند که بسته به جمعیت، فرهنگ جامعه، روابط داخلی و خارجی، نحوه انتخاب رهبر و ... اشکال گوناگونی می‌یابند.

ه) رابطه تمدن و دین: با توجه به تعریف اصطلاحی تمدن و مصادیق بیان شده، هر تمدن دارای دو بخش سخت (عناصر موثر در رفاه و بهبود زندگی) و نرم (عناصر موثر در بهبود و هم‌افزایی روابط انسان‌ها) است. در نگاه اولیه نقش و تأثیر ادیان بر بخش نرم تمدن‌ها مشهود است و شاید به همین دلیل، برخی تمدن‌ها با نام ادیان معرفی شده‌اند. در ارتباط با بخش سخت تمدن‌ها در مورد همه ادیان نمی‌توان قضاوت یکسانی داشته باشیم، زیرا دسترسی کامل به تعالیم همه ادیان، مقدور نیست و از

طرفی اقتضانات زندگی انسان‌ها در هر دوره متفاوت بوده است؛ با مقایسه آنچه از کتاب مقدس در دست داریم با تعالیم قرآن پیشرفت چشمگیری در معرفی راه کارهای رشد زندگی انسان‌ها در بخش سخت ملاحظه می‌کنیم و می‌توان گفت ادیان علاوه بر راهبری در بخش نرم تمدن‌ها، در بخش سخت نیز، به مرور زمان قواعدی ارائه نموده‌اند.

نسبت تمدن اسلام به تاریخ (پسا تاریخ)

گزارش تحقیقات باستان شناسی حاکی از زندگی یک میلیون ساله انسان‌ها بر روی کره زمین است، در حالی که عصر نوسنگی که با پیدایش خط و تمدن شناخته می‌شود، ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد قدمت دارد و تمرکز مطالعات تمدنی بر این دوره کوتاه تاریخی بنا نهاده شده است. (یکتایی، بی تا: ۸۶) نشانه دیگر آغاز این دوران، زندگی حضرت آدم(ع) در زمین می‌باشد. در آیات ۲۶ و ۲۸ سوره حجر به خلقت انسان^۱ و بشر^۲ اشاره شده، و پس از خلقت بشر به ملائکه امر شده، سجده کنند.^۳ بر اساس گزارش قرآن، ملائکه در برابر این امرالهی به فساد و خونریزی انسان‌ها اشاره کرده‌اند،^۴ عده‌ای از مفسرین این سخن ملائکه را ناظر به فساد ساکنین پیشین زمین که پیش از حضرت آدم(ع) در آن سکونت داشته‌اند، تفسیر کرده‌اند؛ (قمی ۱۳۶۷: ۳۶) این دیدگاه، با توجه به آیات سوره حجر و برخی روایات قابل دفاع است، و بر یافته‌های باستان شناسی نیز منطبق است. با پذیرفتن این دیدگاه تاریخ زندگی انسان‌ها در زمین به دو دوران که فصل تمایز آن‌ها خلافت حضرت آدم(ع) می‌باشد، تقسیم می‌شود. در این جا، تعریف و تبیین معنای خلافت که علاوه بر این آیه در آیه ۲۶ سوره ص و ناظر به حکومت حضرت داود(ع)^۵ به کار رفته، گسترده کاربرد این اصطلاح قرآنی را از امری تشریفی به منصبی مدنی توسعه می‌دهد و چه بسا، انتساب حضرت آدم(ع) به مقام خلیفه الهی قضیه شخصی نبوده و به عنوان حقیقتی خارجی ناظر به دوران جدید، زندگی نوع انسان‌ها در زمین باشد که مصادیق

۱- «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ» (حجر: ۲۶)

۲- «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ» (حجر: ۲۸)

۳- «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ؛ فَسَجَدَ الْمَلَكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ» (حجر: ۲۹ و ۳۰)

۴- «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰)

۵- «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص: ۲۶)

متعددی در طول دوران‌ها داشته باشد، که آدم(ع) اولین مصداق خارجی آن است، بنابراین، مقام خلیفه الله منحصر در امر تبلیغ نبوده و رسالتی والاتر بر دوش انبیاء می‌نهد، هرچند از جهت مقتضیات زمان، مأموریت هر یک از انبیاء، محدوده معینی داشته، اما در صراطی مستقیم به سوی آرمانی مشخص^۱ رو به رشد بوده است.

در روایت قرآن از انتساب حضرت موسی(ع) دو مسئولیت به ایشان ابلاغ شده^۲، اول دعوت فرعون و دوم همراه کردن بنی اسرائیل برای هجرت از مصر، این در حالی است که اگر دعوت اول اجابت شود نیازی به اجرای دستور دوم نیست و از طرفی، دستور دوم مقید به ظلم فرعون نشده و از جهت تاریخی ملاحظه می‌کنیم، علی رغم غرق شدن فرعون، بنی اسرائیل به مصر بازنگشتند و مسیر خود را ادامه دادند و در این زمان تورات بر موسی(ع) نازل شد تا با دستورالعملی الهی زمینه ایجاد نوع دیگری از زندگی را برای این قوم و آیندگان در سرزمین جدید فراهم سازد.

درباره پیامبر اکرم(ص) نیز، علاوه بر آیاتی^۳ که به دعوت عمومی و جهانی ایشان اشاره دارند، مجموعه‌ای از آیات و دستورالعمل‌های مدیریتی جامعه نیز، به ایشان ابلاغ شده که در سیره ایشان متبلور است، مانند احکام جزایی متخلفین قوانین مدنی؛ مانند قصاص، حد سارق، مجازات مفسد و محارب فی الارض و ... بنابراین، با توجه به عملکرد پیامبر اکرم(ص) در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، سیاست داخلی و خارجی و تطبیق آن بر اضلاع تمدن سازی (جامعه، قانون و رهبری) قرآن چشم انداز ایشان را در افقی کلان‌تر از رشد مدنی جامعه ترسیم می‌کند، هر چند تمامی آنچه در این چشم انداز می‌گنجد در عصر حضور ایشان محقق نشده، اما ایشان مؤسس تمدن نوینی هستند که هم در بخش نرم و هم در بخش سخت آن، اصول و قواعدی پایه‌گذاری نموده‌اند. چنین تمدنی باید در سه عرصه بینش، کنش و انگیزش طراحی شده باشد تا بتوان به نتیجه مطلوب دست یافت؛ آموزه‌های

۱- «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵)

۲- (شعراء: ۱۶ و ۱۷) و (طه: ۴۳ تا ۴۷)

۳- «... وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ...» (انعام: ۱۹) «... وَلِيُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...» (انعام: ۹۲) «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...» (شوری: ۷) «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...» (اعراف: ۱۵۸) «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷) «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان: ۱)

وحیانی پیامبر(ص) در این سه عرصه بر اساس جهان بینی توحیدی در قرآن کریم و سیره ایشان تبلور یافته است.

معرفی تمدن اسلامی در قرآن

همان گونه که در تعریف تمدن گفته شد، این واژه و مترادف‌های آن در قرآن استعمال نشده اما با توجه به مؤلفه‌های تمدن و مباحثی که ذیل آن مطرح می‌شود، می‌توان آیات تمدن ساز قرآن که دستاورد بیرونی آن مشهود است را استخراج و شرح و تفسیر نمود. قرآن به عنوان یک منبع وحیانی که گاهی با گزارش وقایع عصر رسول خدا(ص) فضای تحولات آن دوران را ترسیم نموده، باید مورد توجه و مطالعه قرار گیرد.

یکی از اقدامات مهم و تاثیر گذار پیامبر اکرم(ص) هجرت به یثرب و ایجاد تحولات بنیادین در آنجا بوده، از تغییر نام یثرب به مدینه تا تاسیس بناهای نوین و وضع قانون و... سوره مبارکه بقره اولین سوره مدنی است که با بیان برخی وقایع، اساسی ترین اقدامات پیامبر اکرم(ص) را به تصویر کشیده است. در ادامه با مطالعه محتوای این سوره با توجه به سیاق‌های آن و تطبیق بر فضای جامعه آن روزگار، ساز و کار اقدامات زیربنایی پیامبر اکرم(ص) را بررسی خواهیم نمود. روند گزارش سوره از اقدامات آن دوران، هم از جهت تاریخی و هم از جهت هدایتی قابل توجه است، زیرا برخی آیات ناظر به یک دغدغه اجتماعی نازل شده و با رفع آن متوجه دغدغه بعدی شده است، بنابراین، با توجه به نظریه تفسیر ساختاری قرآن کریم مضمون سیاق‌های سوره بقره به ترتیب مصحف گزارش خواهند شد؛ هر چند مطالعه موضوعی در عناوین مختلف مانند الگوی دفاعی، الگوی عمرانی و... نیز، بسیار سودمند است، در این مقاله، به روند ارائه مباحث در این سوره اکتفا شده است.

الف) توصیف مضمون سیاق‌های سوره بقره: آیات ۱ تا ۲۹ پس از نشان دادن و ملموس ساختن این که سعادت در تنها صراط مستقیم و راه متقیان؛ و خسران و ضلالت در کژراهه کافران است، با خطاب "یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم والذین من قبلکم لعلکم تتقون" در آیه ۲۱ و با اشاره به برخی از نعمت‌های الهی و تثبیت حقانیت رسول مکرم و آنچه بر آن حضرت نازل شده با تحدی کردن و اشاره به عاقبت سوء انکار، لجاجت، پیمان شکنی ایشان و اشاره به حسن عاقبت ایمان و عمل

صالح، بر لزوم پیروی از مسلک پرهیزکاران تأکید می‌کند، اما کافران با بهانه تراشی‌هایی چون ایراد گرفتن به مثل‌های قرآن در راستای خنثی کردن مثل‌های معرفی مدعیان دروغین ایمان از پذیرفتن دعوت پیامبر اکرم (ص) و دستور العمل قرآن سرباز می‌زنند. (قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۶)

انتخاب خلیفه الله در زمین ضمن داستان حضرت آدم (ع) تنها در آیات ۳۰ تا ۳۹ این سوره مطرح شده است. پس از گذشت سالیان دراز از زندگی انسان‌ها در زمین و فساد و خونریزی آن‌ها، اراده خداوند بر آن قرار گرفت تا برای انسان‌ها، خلیفه الله در زمین قرار دهد تا با رهنمود ایشان از تراحم و نزاع نجات یابند. آدم (ع) اولین خلیفه الهی است که با کارشکنی برخی ساکنان دیگر زمین (ابلیس) مواجه می‌شود. این آیات در ضمن طرح قصه آدم (ع) اشاره به کرامت انسان نموده و با یادآوری آسیب‌پذیری او به بازبودن راه توبه اشاره نموده و علاوه بر لزوم پیمودن راه متقین، خطر‌ها و آسیب‌های این راه گوشزد می‌گردد. (حوی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۱۳؛ قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۴؛ حنکه، ۱۴۲۷، ج ۱۵: ۴۰۸؛ دروزه، ۱۴۲۱، ج ۶: ۱۵۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۲۶)

آیات ۴۰ تا ۱۲۳ نمونه روشنی از بی‌تقوایی را در ضمن بیان سرگذشت بنی اسرائیل از زمان حضرت موسی (ع) تا عصر رسول خدا (ص) بیان می‌دارد. این قسمت از آیات به دو جهت قابل توجه می‌باشد چرا که یهودیان نیز مأمور بودند با ارشاد حضرت موسی (ع) که خلیفه الهی هم عصر ایشان بود در مسیر عبودیت حرکت کنند اما به دلیل کارشکنی به این هدف نائل نشدند از دیگر سو، یهودیان عصر رسول الله (ص) علی‌رغم منطبق یافتن نشانه‌های موعود بر حضرت محمد (ص) از عهد الهی که ایمان آوردن و یاری ایشان بود سرباز زدند و به این نکته نیز، اکتفا ننموده قصد منحرف ساختن جامعه نوپای اسلامی را داشتند. اختصاص بخش قابل توجهی از آیات این سوره به معرفی بنی اسرائیل با چند فایده عمده همراه است: اول، تاثیرگذاری بر بنی اسرائیل که اصلی‌ترین مانع در راه تحقق آرمان‌های اسلامی و سرافرازی اسلام و مسلمانان هستند. دوم، اعطای بیش دشمن شناسی به مسلمانان که موظف به برافراشتن پرچم توحید در عالم هستند. سوم، آسیب شناسی طی مسیر امت اسلام به سمت تحقق آرمان الهی، تا بار دیگر تجربه‌های تلخ تاریخی بنی اسرائیل را تکرار نکنند و در شکل دهی جامعه و حکومت اسلامی کامیاب شوند. (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۸)

از آیه ۱۲۴ تا ۱۴۱، با طرح امامت ابراهیم(ع)، او و خاندان پاک او را نمونه عینی خلیفه الله دانسته و پیامبر اسلام(ص) را با توجه به روش و منش ایشان، شایسته انتصاب در این جایگاه معرفی کرده است. این بخش از آیات در عین حال با یادآوری بنای کعبه به دست توانای ابراهیم و اسماعیل(ع) و دعای ایشان در حق شهر مکه و فرزندان شان ریشه‌های ابراهیمی دین مبین اسلام را بیان کرده و انتساب یهود به ابراهیم(ع) را زیر سؤال برده است و یادآوری نموده که همه انبیاء پیرو آیین راستین توحیدی هستند. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج: ۱؛ ۱۰۹؛ مسلم، ۱۴۳۱، ج: ۱؛ ۱۴۷؛ حوی، ۱۴۱۲، ج: ۱؛ ۲۵۹) ذکر این دو قصه (بنی اسرائیل و حضرت ابراهیم(ع)) دوروی سگه اختیار افراد در انتخاب مسیر زندگی است؛ قصه بنی اسرائیل برای آن روی سگه که مورد سوال فرشتگان بود و با بیان "أتجعل فیها من یفسد فیها..." به آن، اشاره شد و قصه ابراهیم و پیامبران نسل او برای روی دیگر که در جواب ایشان با جمله "إِنِّیْ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ" بیان شده است.

پس از بیان داستان بنیان گذاری و تطهیر کعبه به دست حضرت ابراهیم(ع) و اسماعیل(ع) در آیات قبل، آیه ۱۴۲ برای حادثه بزرگ تغییر قبله و بیان این حکم مهم زمینه‌سازی کرده است و از اعتراضات آینده یهود و مشرکان حجاز در این باره خبر داده، پاسخ اعتراض های آنان را به رسول اکرم(ص) می‌آموزد. مطابق آیات ۱۲۷ تا ۱۲۹، از دعاهای حضرت ابراهیم(ع) و اسماعیل(ع) هنگام بالا بردن دیوارهای کعبه این بود که پروردگارا این کار را از ما بپذیر و از دودمان ما امتی مسلمان و فرمانبردار خویش قرار ده. طبق آیه مورد بحث و آیات پس از آن، خداوند بنای کعبه را از آنان پذیرفت و آن را قبله مسلمانان قرار داد و از دودمان آن ها امتی مسلمان پدید آورد که در مسئله قبله و مانند آن، تسلیم فرمان او هستند. مقایسه بنی اسرائیل با خاندان ابراهیم(ع) گواه آن است که بنی اسرائیل با آن همه کفر و ظلم و بی‌تقوایی شایسته خلیفه الله شدن در زمین نیستند. پیامبر اکرم(ص) شایسته انتصاب در این جایگاه، می‌باشد که پیرو آیین حنیف حضرت ابراهیم و مصداق تحقق دعای اوست، از این رو، خداوند سبحان با تغییر قبله، استقلال مسلمانان را از یهود اعلام می‌کند و با این امتحان در صدد خط کشی رسمی بین مومنان به اسلام و مدعیان دروغین ایمان یعنی بنی اسرائیل و اهل کتاب برآمده است و در پایان، آیه ۱۷۷ نیکوکاران را در بعد اعتقادی و رفتاری معرفی کرده است. شاید مدعیان دروغین ایمان حداقل به موازین اخلاقی و انسانی پایبند شوند. (یوسفی غروی، ۱۳۹۲، ج: ۲؛ ص ۳۰۴؛ شرف الدین، ۱۴۱۲، ج: ۲؛ ۸۰)

سپس، آیات ۱۷۸ تا ۲۱۴ با طرح چهار موضوع اصلی قصاص، روزه، قتال و حج دو مورد نخست را به عنوان راه کار تقوای فردی با تکیه بر «لعلکم تتقون» و دو مورد اخیر را به عنوان راه کار تقوای اجتماعی و با تکیه بر «و اتقوا الله» بیان کرده است. نظم خاص این چهار موضوع، می فهماند که برای تحقق تقوای اجتماعی حق تقدم با تقوای فردی است. نکته دیگری که می توان از این نظم استفاده کرد، این است که قتال در بعد اجتماعی، مانند قصاص در بعد فردی است، چنانکه حج در بعد اجتماعی نظیر روزه در بعد فردی است. این مجموعه آیات پس از دسته آیات قبل که چشم انداز فرهنگ مشترک توحیدی همه انبیاء را ترسیم نمود و با بیان رفتارهای ناشایست بنی اسرائیل آنها را نقد نموده و به مسلمانان هشدار داد، اصول قواعد فردی و اجتماعی این فرهنگ را معرفی نموده و در ادامه آیات دسته اول که با بیان «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» مردم را به ورود در زمره اهل تقوا فرا خوانده بود، به صورت عملی با چگونگی تحقق تقوای فردی و اجتماعی فراخوانده است.

در بخش پایانی آیات مربوط به حج، خداوند متعال انسان ها را از نظر منطق و سیره عملی به دو گروه دنیا طلبان و نیک خواهان در دنیا و آخرت تقسیم کرد؛ به همین مناسبت در ادامه به تقسیم دیگری از انسان ها پرداخته است و آن ها را از جهت صفات و نتایج اعمال شان نیز به دو گروه با تقوا و بی تقوا دسته بندی می کند. سپس در آیات بعدی راه حفظ وحدت دینی در جامعه انسانی را بیان می کند که، ورود در سلم و بسنده کردن به دین خدا در اندیشه و رفتار است. تنها در این صورت است که وحدت و سعادت دنیا و آخرت تأمین می شود وگرنه با خروج از سلم و دخل و تصرف در آیات الهی همان گونه که از بنی اسرائیل و دیگران سرزد، وحدت دینی از هم گسسته می شود و سعادت دنیا و آخرت رخت بر می بندد و هلاکت عمومی فرا می رسد. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۷۷)

آیات ۲۱۵ تا ۲۴۲ به پاسخ گویی پرسش های مردم در رابطه با مصارف انفاق، جنگ در ماه های حرام، شراب و قمار، نحوه ارتباط صحیح با یتیمان و مسائل مربوط به زنان پرداخته است تا مسلمانان را که به دلیل همجواری با اهل کتاب از روش و منش آن ها رنگ گرفته بودند با تعالیم روح بخش این دین آسمانی آشنا سازد. مؤمنان مانند هر انسان دیگر، از جنگ به خاطر سختی ها، زیان های مالی و جانی، ناامنی و از بین رفتن دارایی ها کراهت داشتند، این آیات معیار محبت و کراهت و خیر و شر را رهنمود

الهی معرفی می‌کند نه خواسته طبع، زیرا تنها خداست که عالم مطلق است و همه چیز را می‌داند و انسان، در تشخیص خیر و شر نیازمند رهنمودهای الهی است تا با عمل به آن به خیر برسد و از شر برهد. متقین در پرتو ایمان به خدا و دل‌کنند از مظاهر فریبده دنیا دشواری انفاق و قتال را از یک‌سو به آسانی، و کراهت طبیعی جنگ و ترس از فقر را از سوی دیگر، به محبوبیت جهاد و انفاق، تبدیل می‌کنند. (قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۱۹)

آیات ۲۴۳ تا ۲۸۴ پس از پاسخ‌گویی به پاره‌ای از پرسش‌ها و اعتراضات ناشی از بیان احکام در بخش پیشین، با آسیب‌شناسی مسئله جهاد و روابط اقتصادی، در پی تحقق رفتارهای اجتماعی برآمده است. زیرا: هدف همه انبیاء تحقق این آرمان‌ها بوده و حال این مسئولیت بر دوش مسلمانان نهاده شده است. این مجموعه از آیات ضمن پاسخگویی به سئوالات مردم، فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی در بعد جان و مال را برای مردم تبیین می‌کند و ایشان را به دیگر خواهی به جای خودخواهی تشویق می‌کند تا بنیادهای این نظام که ریشه در شناخت فطرت انسانی دارد، به نحو احسن پایه‌گذاری شود. شاید آن چیزی که ملانکه در اعتراض به جعل خلیفه در زمین داشتند، همین خودخواهی بشر بوده که داستان بنی اسرائیل آن را تایید و نهی می‌نماید و اجتناب از این امر تنها با تاسی از روحیه ایثار که روش و منش بزرگ مردانی چون ابراهیم(ع) و ذریه شایسته اوست، امکان‌پذیر می‌باشد.

در این بخش ابتدا با یادآوری دو داستان از بنی اسرائیل (داستان قومی که از مرگ گریختند و داستان طالوت و جالوت) مردم را تشویق به جهاد در راه حق می‌کند. سپس در آیه ۲۵۴ با یادآوری مالکیت خداوند بر روزی انسان‌ها و نیازمندی ایشان در قیامت، امر به انفاق نموده و جهت تقویت انگیزه انفاق، ابتدا ربوبیت خدا را با مباحث معرفتی آیه الکرسی و داستان محاجه ابراهیم(ع) و نمرود اثبات کرده و سپس به اثبات رستاخیز و قدرت خدا بر احیای مردگان با بیان داستان عزیر(ع) و زنده شدن پرندگان به امر ابراهیم(ع) پرداخته و پس از آن، برای تشویق مؤمنان به انفاق و بیان شرایط آن با مثل-هایی به تبیین مسئله انفاق پرداخته است. آیات پایانی این بخش نیز، در صدد نهادینه‌سازی فرهنگ انفاق بی‌ریا و تجارت بی‌ربا در جامعه است. قرآن کریم، جهاد مالی (انفاق) را در کنار جهاد جانی آورده است که نشان‌دهنده پیوند آن دو است، جهاد از خودگذشتگی جانی و انفاق از خودگذشتگی مالی است، زیرا حفظ کیان جامعه وابسته به امنیت و اقتصاد سالم در جامعه است. فرهنگ از خودگذشتگی

و عدم تعلق به دنیا، امری موثر در زیر بنای جامعه اسلامی است، تا نیازی به اجرای احکام جزایی در جامعه نباشد. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج: ۱، ۲۶۰)

قرآن کریم معمولاً در پایان برخی سوره‌ها، خلاصه آن را بیان می‌کند، دو آیه پایانی (۲۸۵ و ۲۸۶) سوره «بقره»، چکیده و جمع‌بندی معارف سوره در سه اصل ایمان به خدا، یقین به معاد و قبول همه کتاب‌های آسمانی و رسولان الهی است. در آیات نخستین سوره «بقره» درباره ایمان به اصول و اجرای دستورات الهی سخن گفته شده و آیات پایانی مصداق متقیانی که در ابتدای سوره بیان شده، رسول خدا(ص) و همراهان ایشان معرفی شده‌اند. رسول خدا(ص) و مؤمنان دیگر، به رسالت همه انبیا و آنچه بر ایشان نازل شده ایمان داشته و هیچ‌یک را انکار نمی‌کنند. مؤمنان گوش شنوا دارند و اهل اطاعت‌اند و تشنه مغفرت الهی و بر این باور هستند که تکامل و صیورت نظام هستی تنها به سوی خداست. این آیات در قالب دعا و مناجات با خداوند اصول تفکر اسلامی را که برگرفته از تعالیم انبیاء سلف و پیامبر گرانقدر اسلام(ص) در پرتو تعالیم قرآن می‌باشد را به گونه‌ای بیان داشته که خبر از تحقق آن آرمان‌ها توسط این خلف صالح را به همراه دارد.

ب) تأثیر متقابل سوره بقره و فضای نزول: این سوره نورانی در کلام معصومین: با اسامی مختلفی یاد شده که هر کدام به وجهی از وجوه این سوره اشاره دارند. پیامبر اکرم(ص) این سوره را خیمه قرآن، (سیوطی، ۱۴۰۴، ج: ۱، ۵۱) قله بلند قرآن (سیوطی، ۱۴۲۱، ج: ۱، ۱۷۲) و سید القرآن (مجلسی، ۱۴۰۵، ج: ۶۱، ۳۰) نامیده‌اند، همچنین سوره مبارکه بقره و آل عمران را زهروان (سیوطی، ۱۴۲۱، ج: ۱، ۱۷۲) نام گذاری کرده‌اند. همه این نام‌ها، حاکی از جایگاه رفیع این سوره می‌باشد. تا آنجا که در سیره پیامبر اکرم(ص) مشاهده می‌کنیم ملاک ایشان برای انتخاب اسامی جوان به فرماندهی سپاه اسلام از میان سرداران مسن و با تجربه، مأنوس بودن این جوان با این سوره می‌باشد. (طبرسی ۱۳۷۲، ج: ۱، ۱۱۱)

روایات متعددی از معصومین در فضیلت تلاوت این سوره بیان شده اما به روایت پیامبر اکرم(ص) که فرمودند: «تهی‌ترین خانه‌ها از خیر، خانه‌ای است که در آن سوره بقره تلاوت نشود.» (رازی ۱۴۰۸، ج: ۱، ۳۷)

سوره مبارکه بقره ۸۷ امین سوره نازل شده و اولین سوره مدنی است، آخرین سوره مکی که قبل از این سوره نازل شده، سوره مطففین می باشد که به فضای بیمار فرهنگی و اقتصادی مکه و فشارهای وارد بر مسلمانان اشاره می نماید. پس از این سوره مبارکه، سوره مبارکه انفال نازل شده که به رخدادهای جنگ بدر اشاره می کند و نیز، سوره مبارکه آل عمران که به مواضع اهل کتاب و مشرکین در برابر مسلمانان و چگونگی تعامل با ایشان می پردازد، نازل شده است.^۱

سوره مبارکه بقره در چیش کنونی قرآن دومین سوره قرآن می باشد. سوره مبارکه حمد قبل از آن و سوره مبارکه آل عمران پس از آن، قرار گرفته است. سوره مبارکه بقره در مجموعه سور طوال قرار گرفته اند.

پیامبر اکرم (ص) به دعوت مردم یثرب برای پایان دادن به جنگ های خونین صد و بیست ساله قبایل اوس و خزرج به همراه پیروان راستین خود به رغم تهدید و تعقیب قریش به آنجا مهاجرت کردند. اولین و مهم ترین دغدغه هر رهبر دینی پس از هجرت از جامعه آلوده به ظلم و جور و دستیابی به فرصت آزادی، پایه گذاری جامعه ای بر اساس ارزش های مکتبی می باشد تا در پرتو این نظام ارزشی، مردم قسط و عدل را در جامعه به پا دارند و از کیان جامعه خود در مقابل متجاوزین دفاع نمایند. البته وضع و رعایت اصول و ارزش های نو برای همگان خوشایند نخواهد بود لذا، تلاش های این مردان الهی با مشکلات و موانعی روبرو بوده است. هرچند اکثر مردم اوس و خزرج با ارشاد مصعب بن عمیر طی یک سال قبل از هجرت مشرف به دین اسلام شده بودند اما سایر ساکنان یثرب که سه قبیله یهودی بودند به رغم ادعای ایمان به پیامبر آخر الزمان (ص) به بهانه های مختلف از همراهی پیامبر آخر الزمان شانه خالی کردند، حال آن که دین مشترک همه انبیای الهی: تسلیم امر خدا بودن است: "إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ" از این جهت اصول ارزشی همه مکاتب الهی در آیه ۶۲ چنین بیان شده است: "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ" یعنی، تنها راه نجات برای هر ملّتی

۱- طبق نظر آقای یوسفی غروی در کتاب تاریخ تحقیقی اسلام پس از نزول حدود نیمی از سوره بقره سوره انفال با بیان وقایع جنگ بدر در ماه رمضان سال دوم هجرت نازل شده است. اگر نظر ایشان را بپذیریم و با توجه به اینکه سوره انفال هشتاد و هشتمین سوره نازل شده شمرده شده است، نزول سوره بقره و انفال توأم با یکدیگر بوده الا اینکه در ابتدا نیمه اول آیات سوره بقره نازل شده است. و سوره ای که پس از سوره بقره نازل شده است، سوره مبارکه آل عمران می باشد که ۸۹ امین سوره نازل شده می باشد. این سوره چگونگی تعامل با سایر ملل، اعم از مشرکان، یهودیان و مسیحیان را بیان می کند.

همان اسلام است و اسلام مجموع اعتقاده مبدأ و معاد و وحی و نبوت و آراسته شدن به عمل صالح است.

در چنین فضایی که پیامبر(ص) به همراه مهاجران رنج کشیده به مدینه هجرت نموده و به تازه مسلمانان مدینه که به یاری ایشان برخواسته اند (انصار) پیوسته و با مدعیان دروغین ایمان (یهودیان) که از نظر مسلمانان رنج کشیده و ندار مهاجر و تازه مسلمانان مدینه صاحب کمالات مادی و معنوی هستند، مواجه شده به مدد سوره مبارکه بقره ضمن بیان چشم انداز قرآن کریم برای برخورداری از حیات طیبه، کافران و مدعیان دروغین ایمان (یهودیان) را معرفی و نقد نموده تا موجب عبرت مسلمانان باشد و سپس به ارائه الگوی سبک زندگی اسلامی پرداخته است.

از آنجا که همه همت دشمنان مسلمین این بود که آنان را از اصول ارزشی خویش منحرف و از تمدن دینی خود منصرف سازند؛ چنانکه در آیه ۲۱۷ چنین آمده است: "... ولا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم إن استطاعوا..." یکی از محورهای اصلی این سوره آگاه سازی مسلمانان از چنین خطر فکری و اعتقادی و تشویق به نبرد با آن و فرونشاندن فتنه می باشد و پس از آن، به تبیین فرهنگ اصیل اسلامی و بستر سازی فرهنگی برای تحقق این فرهنگ غنی که ریشه در آیین حنیف ابراهیم(ع) دارد، می پردازد و با ارائه دستور العمل اجرایی مردم مدینه وارد مرحله جدیدی از زندگی توحیدی می شوند.

آیات ۱ تا ۱۷۷ سوره مبارکه بقره ابتدا هدف و چشم انداز ایشان را ترسیم نموده، تا عابدان که به دنبال هادی هستند، با منش و روش ایشان آشنا و آن را برگزینند. سپس جریان فکری و عملی بنی اسرائیل از عصر موسی(ع) تا عصر معاصر را بررسی و برخی توطئه های پنهانی ایشان را بر ملا می سازد. سپس با یادآوری انتخاب ابراهیم(ع) پس از ابتلائات و وعده انتخاب ذریه صالح او، مردم را دعوت به ارزیابی مدعیان رهبری (از یک سو پیامبر اکرم(ص) و از سوی دیگر یهودیان) نموده تا مخاطبین با بینش، مسیر صحیح را انتخاب کنند. در این زمان، یهودیان با پذیرش اصل وجود منجی، تطبیق این رسالت الهی بر شخص پیامبر اکرم(ص) را نفی نموده و مدعی زعامت جامعه تا ظهور منجی هستند. این آیات با برشمردن راه و روش ابراهیم(ع) و شاخص های تقوا در آیه ۱۷۷ روش مدعیان دروغین را نقد نموده و به گواهی تاریخ محمد امین(ص) از سوی مردم مدینه، شایسته ترین فرد برای این منصب شناخته شده است.

شکل‌گیری یک نظام اجتماعی توحیدی مستلزم پیروی از قوانین و مقرراتی می‌باشد که توسط خداوند تبارک و تعالی با توجه به مبدأ و معاد انسان و نیز، سرمایه‌ها و امکانات او طراحی شود. در چنین نظامی، می‌بایست حقوق انسان‌ها محترم شمرده شود و علاوه بر تشویق انسان‌ها به رعایت این حقوق، قوانین کاربردی جهت رفع اختلافات محتمل وضع شود تا مردم بدون نزاع به اختلافات خود خاتمه دهند. آیات ۱۷۸ تا ۲۸۴ قوانین مدنی و جزایی و نیز احکام عبادی را جهت سامان دهی اوضاع جامعه تبیین می‌نماید و با ترسیم جامعه عاری از خودخواهی که در سطح خانواده و جامعه در بعد جانی و مالی تبلور می‌یابد، مردم را دعوت به عملگرایی با دستور العمل هدایتی و تربیتی قرآن می‌نماید.

آیات ۲۸۵ و ۲۸۶ عصاره و جان کلام است که چارچوب بینشی و انگیزشی و کنشی مؤمنین بر محور توحید را تبیین می‌نماید.

ج) شاخص‌های تمدن سازی سوره بقره: هر جامعه برحسب موقعیت مکانی و زمانی و خواست افراد آن، آداب و رسومی دارد که بخش مهمی از فرهنگ غیر مادی و معنوی ایشان را تشکیل می‌دهد و تأثیرات چشمگیری بر رفتارها و سبک زندگی مردم آن جامعه دارد. عوامل متعددی مانند منابع مادی، لذت جویی، خودخواهی، ترس و ... در شکل‌گیری سنت‌ها مؤثر هستند. در جامعه عصر رسول خدا(ص) نظام قبیله محور حاکم بود، در این فرهنگ پدر یا رئیس قبیله عهده‌دار بار گناه افراد و جرایم ایشان بود. پرداخت غرامت و دیه، اصولاً کیفر جمعی بود نه فردی. تفاخر به کارها و اقدامات شکوه-مند قبیله یک اصل بود که در اشعار آن دوران به تصویر کشیده شده است. پیروی بی چون و چرا از سنت اجداد و نیاکان (درست یا نادرست) بر همه اعمال و رفتارها سلطه داشت. این قوانین نانوشته آن چنان در مردم عصر رسول خدا(ص) ریشه‌دار بود که تغییر آن‌ها محال می‌نمود. (امانی، ۱۳۹۲: ۶۱)

مردم یثرب علاوه بر این‌ها به دلیل همجواری با یهودیان، شیفته سواد، ثروت و قدرت ایشان بودند و ایشان را مرجع پاسخگویی سوالات فکری و عملی خود قرار داده بودند. جنگ ۴۰ ساله بسوس میان دو قبیله بنی بکر و بنی تغلب نمونه تأسف برانگیزی از فرهنگ آن دوران است که برای بسیاری از مردم آن روزگار امری عادی بود که به آن تن می‌دادند. امیرالمومنین(ع) این دوران را این گونه توصیف کرده- اند: «... شما ملت عرب در آن وقت دارای بدترین دین، و در بدترین خانه بودید، منزل تان در میان

سنگ های سخت، و در بین مارهای زهردار بود، آب تیره می نوشیدید، غذای خشن می خوردید، خون یکدیگر را می ریختید، قطع رحم می کردید...» (سید رضی، ۱۳۸۶: ۹۱)

با توجه به گزارش سوره مبارکه بقره رسول خدا(ص) مأمور شد ابتدا برای اصلاح باورهای مردم تلاش نماید تا مردم آماده پذیرش و اجرای قوانین الهی شوند. تعصبات ریشه دار قومی و شبهات یهودیان که نبوت ایشان را انکار می کردند. مهم ترین موانع این دوران بود که آیات ۴۰ تا ۱۲۳ سوره بقره با مخاطب قرار دادن یهود و اخذ تأیید ایشان در بهره‌مندی از نعمات الهی به مرور نقشه‌های ایشان را برای مردم تازه مسلمان بر ملا نموده و مردم را از مراجعه و اعتماد به ایشان منع کرده است. آیات ۱۲۳ تا ۱۴۱ نیز با یادآوری اخلاق حسنه ابراهیم(ع) بازگشت به روش و منش ایشان با پیروی ذریه صالح او را توصیه نموده است. آغاز جنگ بدر، خطرات جنگ‌های خانمان سوز دوران جاهلی را برای مردم یثرب تداعی نمود و اکثرشان که برای رهایی از جنگ به پیامبر اکرم(ص) پناه آورده بودند از حضور در جنگ امتناع کردند. پیروزی در این نبرد با رشادت ۳۱۳ نفر از مسلمانان که اکثر آنها مهاجرین بودند، تصویر جدیدی از نبرد دفاعی با رعایت اصول اخلاقی و امداد الهی برای ایشان ترسیم نمود و زمینه را برای وضع قوانین جزایی اسلام در جامعه فراهم کرد. پیامبر اکرم(ص) با تلاوت آیات ۱۷۸ تا ۲۱۴ مسئولیت فردی هر کس در جامعه برای اقامه امنیت را یادآوری نمود و به خلاف فرهنگ جاهلیت که مسئولیت فردی را سلب نموده بود و قبایل را به جان یکدیگر می انداخت، با امر به روزه‌داری روحیه خویشنداری را در مسلمانان تقویت نمود تا از ارتکاب معاصی که مجازات سخت قصاص را در پی داشت، پیشگیری نماید. ایشان با تشویق به اقامه حج ابراهیمی و رعایت محرمات آن خویشنداری اجتماعی را تقویت نمود تا در کارزارهای پیش رو سنت‌های ظالمانه جاهلی تکرار نشود و فقط به منظور رفع فتنه در مقابل دشمنان شجاعانه ایستادگی کنند.

پس از ساماندهی افکار و رفتار تازه مسلمانان مدینه زمان آن فرارسیده که تعالیم دینی در عمق جان ایشان نفوذ کند، و بیماری مزمن خودخواهی را که خون‌های زیادی را بر زمین ریخته و حق‌های بسیاری را پایمال نموده درمان کند. در آیات ۲۱۵ تا ۲۸۴ ضمن پاسخ‌گویی به سئوالات مخاطبین نظام حقوق خانواده در اسلام را که بر محور دیگر خواهی بنا شده تبیین نموده و سپس با تبیین فرهنگ

ایثار و شهادت و فرهنگ انفاق زمینه درمان خودخواهی را فراهم نموده تا جامعه در بعد جانی و مالی و در سطح خانواده و اجتماع طعم شیرین آرامش و آسایش را بچشد.

از آنجا که در سوره بقره افکار و رفتار مدعیان دروغین (یهودیان) نقد شده، در دو آیه پایانی این سوره، افکار و عقاید صحیح مسلمانان گزارش شده تا به این اخلاق حسنه آراسته شوند و از ثمرات آن در زندگی دنیا و آخرت بهره‌مند شوند.

نتیجه‌گیری

مدنیت و تمدن از ریشه «م د ن» به معنای شهر و شهرنشینی مشتق شده‌اند. مدنیت مصدر صناعی عربی به معنی پیشرفت و آبادانی یا مصدر جعلی فارسی به معنای منسوب به شهر و شهرنشینی است. تمدن به معنای برگزیدن نوعی از زندگی است که اقتضانات زندگی مدنی را به فرد و جامعه منتقل می‌کند، در زبان عربی برای انتقال این مفهوم بیشتر از واژه حضارة و ثقافة استفاده می‌شود. در جامعه شناسی و تاریخ، اغلب مقصود از مدنیت مرحله‌ای از زندگی انسان‌هاست که به شهرنشینی و اقتضانات آن روی آورده‌اند، اما تمدن مفهومی چند سطحی و گسترده‌تر دارد و نظام‌ها و نهادهای اجتماعی را نیز، در بر می‌گیرد. جامعه انسانی، قانون و سیستم رهبری اضلاع تشکیل دهنده تمدن هستند که بسته به جمعیت، فرهنگ جامعه، روابط داخلی و خارجی، نحوه انتخاب رهبر و ... اشکال گوناگونی می‌یابند، در گزارش‌های تاریخی، ادیان به عنوان عاملی تأثیر گذار یا پدیدآورنده تمدن‌ها شناخته شده‌اند. آغاز تاریخ ۶۰۰۰ ساله که مقارن زندگی حضرت آدم (ع) در زمین است، فرضیه ارتباط ماهوی ادیان و تمدن را تقویت می‌کند. رسالت انتقال بنی اسرائیل به سرزمین مقدس توسط حضرت موسی (ع) آیات و احکامی که رسالت پیامبر اکرم (ص) را دعوتی جهانی و با ابعاد تمدنی معرفی می‌کنند از دیگر مؤیدات این فرضیه هستند.

هر تمدن دارای دو بخش سخت (عناصر موثر در رفاه و بهبود زندگی) و نرم (عناصر موثر در بهبود و هم‌افزایی روابط انسان‌ها) می‌باشد. سوره بقره به عنوان اولین سوره مدنی دو مسئله اساسی جامعه آن زمان (کارشکنی یهود برای پذیرش جایگاه نبوت پیامبر اکرم (ص) و ایجاد امنیت جانی و مالی و روانی در جامعه مدینه) را مطرح نموده و با تصحیح بینش و تبیین و اجرای دستورالعمل برخاسته از جهان

بینی توحیدی برای رفع آنها و رسیدن جامعه به شرایط مطلوب تلاش نموده است. بر اساس گزارش سوره مبارکه بقره رسول خدا(ص) در سال اول هجرت بینش تازه مسلمانان مدینه را تصحیح و تقویت نمود تا آمادگی پذیرش و اجرای قوانین الهی را که بر خلاف سنت‌های ریشه‌دار جاهلی بود، فراهم نماید؛ و در سال دوم هجرت قوانین جزایی فردی مانند قصاص و وصیت و قوانین جزایی اجتماعی چون جهاد را برای ساماندهی ارتباطات افراد و جامعه در کنار قوانین عبادی (روزه و حج) که موجب تقویت روحیه خویشتن داری در بعد فردی و اجتماعی است را وضع نمود. ایشان با بیان احکامی برای تنظیم روابط افراد در خانواده نظام رحمانی خانواده اسلامی را که به دور از خودخواهی‌ها و تعصبات قومی است تبیین نمود و با تشویق به جهاد و انفاق روحیه دیگرخواهی را در مقابل روحیه خودخواهی دوران جاهلیت ترویج نمود تا ریشه اختلافات دیرینه انسان‌ها که از امتناع سجده کردن ابلیس آغاز شده بود، خشکانده شود.

کتابنامه

- آقاجانی قناد، علی (۱۳۸۱). شکوه ایمان: بازشناسی تمدن مسلمین، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۹۰). مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمدپروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- أبو العزم، عبد الغني (۲۰۱۱). معجم الغني الزاهر، دمشق، مكتبة شاملة.
- الویری، محسن و مهدی نژاد، سید رضا (۱۳۹۲). "رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی"، تاریخ و تمدن اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۱۸.
- الویری، محسن (۱۳۸۳). "رابطه اسلام و ایران؛ رویکرد تمدنی"، تاریخ اسلام، زمستان، شماره ۲۰.
- الویری، محسن (۱۳۹۲). "اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی"، انتظار موعود، پاییز، شماره ۴۲.
- الویری، محسن (۱۳۹۴). کارکرد تمدنی قرآن؛ یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی، نقد و نظر، زمستان، شماره ۴.
- امانی، محمدعلی (۱۳۹۲). سنن جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- بازرگان، عبدالعلی (۱۳۷۵). نظم قرآن، تهران، انتشارات قلم، ج ۱.
- باقری، مه‌ری (۱۳۷۶). تاریخ زبان فارسی، تهران، نشر قطره.

- بستانی، محمود (۱۴۲۲). المنهج البنائي في التفسير، قم، دارالهادي.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی.
- البقاعی، برهان الدین (۱۴۳۴). نظم الدرر فی تناسب الايات و السور، عبدالرزاق غالب المهدي، بيروت، دارالکتب العلمیه.
- البناء، حسن (۱۴۲۵). مقاصد القرآن الکریم، کویت، دارالوثیقه.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۸۷). همگام با وحی، قم، سبط النبی.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی، اصول، قواعد و فواید، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بی رز، کارولین (۱۳۵۳). جامعه شناسی، ترجمه ناصر رحیمی، تهران، ابن سینا.
- پسندیده، عباس (بی تا). دولت کریمه و مدنیت اسلامی، بی جا، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت.
- جان احمدی، فاطمه و منتظر القائم، اصغر و کرمی، رضا (۱۳۹۴). "بازخوانی مراحل حیات شهری پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم"، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، زمستان، شماره ۲۱.
- جبران مسعود (۱۹۹۲). الرائد معجم لغوي عصري، بیروت، دار العلم للمالین.
- جوادی آملی، عبدالله (بی تا). تسنیم، ترجمه حسین صافی، قم، مرکز بین المللی نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). الصحاح، مصحح احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دارالعلم للمالین.
- حبّکه، عبدالرحمن (۱۴۲۵). قواعد التدبر الامثل لکتاب الله، دمشق، انتشارات دارالقلم.
- حبّکه، عبدالرحمن (۱۴۲۷). معارج التفكير و دقائق التدبر، دمشق، دارالقلم، ج ۱۵.
- حضرتی، حسن و دهقانی، سید امیر حسن (۱۳۹۵). "متفکران مسلمان و شناسایی تمدن اسلامی"، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، پاییز، شماره ۲۴.
- حکیم، محمد باقر (۱۳۸۷). جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم، ترجمه موسی دانش، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- حوی، سعید (۱۴۱۲). الاساس فی التفسیر، قاهره، دارالاسلام، ج ۱۰.
- حیدری، محمد (۱۳۸۱). معجم الأفعال المتداولة، قم، المركز العالمي للدراسات الاسلامیه.
- خامه گر، محمد (۱۳۸۶). ساختار هندسی سوره های قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- خطیبی، اعظم (۱۳۹۹). مفاهیم جامعه شناختی در پنج سوره اول قرآن کریم، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- دحداح، آنتوان (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات صرف و نحو عربی، ترجمه ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو، قم، ظفر.
- دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱). التفسیر الحديث، قاهره، دارالغرب الاسلامی.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۶). مشرق زمین، مترجمان احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریان پور، تهران، علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲). لغت نامه بزرگ دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.

- ذوالنور، رحیم (۱۳۷۳). رفتارشناسی زبان، تهران، زوّار، تهران.
- رازی، ابوالفتح (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد
- راسخ، کرامت اله (۱۳۹۱). فرهنگ جامع جامعه شناسی و علوم انسانی، جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی.
- زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۰). "نوسازی تمدن اسلامی"، تاریخ در آینه پژوهش، بار، شماره اول.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۹). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳). "شاخص های تمدن اسلامی بر اساس آموزه های قرآن کریم"، آموزه های قرآنی، بهار و تابستان، شماره ۱۹.
- سید رضی (۱۳۸۶). نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا). تناسق الدرر فی تناسب السور، بیروت، عالم الکتب.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱). الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۲.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). در المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شحاته، عبدالله محمود (). اهداف و مقاصد سوره ها، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴.
- شرف الدین، جعفر (۱۴۱۲). "ترابط الآیات و أغراضها فی سورة البقرة"، المعارج، شعبان، العدد ۱۵.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۷۶). دستور ساده زبان فارسی همراه با تجزیه و ترکیب، تهران، اساطیر.
- صمیمی، رشید (۱۳۸۷). اصول و شاخصه های تمدن نبوی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۹). تمدن زایی شیعه، اصفهان، لب المیزان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۲۰.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ج ۱۰.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ج ۳۰.
- طوسی، نصرالدین (۱۳۸۷). اخلاق ناصری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- عبدالقادر، حامد؛ مصطفی، ابراهیم؛ نجار، محمد و زباب، أحمد (۱۳۸۷). معجم الوسیط، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- عرفان، امیر محسن و بیات، علی (۱۳۹۳). آموزه های امت اسلامی در قرآن و بازانیدیشی در قابلیت های فرهنگی و تمدنی آن، "تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تابستان، شماره ۱۵.
- فارس (ابن فارس)، احمد بن (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، مصحح عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین، قم، نشر هجرت.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵). القاموس المحيط، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- قطب، سید (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن، قاهره، دارالشروق، ج ۱.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.
- کوئن، بروس (۱۳۸۸). مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- لوبون، گوستاو (۱۳۳۴). تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۵). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیه السلام)، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ج ۶۱.
- محسنی، منوچهر (۱۳۶۹). مقدمات جامعه شناسی، دیبا، بی جا.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۸۶). سوره های قرآن دورنمایه ها و محورها، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹). من هدی القرآن، تهران، دار محیی الحسین، ج ۱.
- مسلم، مصطفی (۱۴۳۱). التفسیر الموضوعی، ابوظبی، جامعه الشارقة، ج ۱.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا، ۷ و ۲.
- مظفری، سید محمد (۱۳۸۹). مدنیت بالطبع انسان از چشم انداز فلاسفه، فصلنامه الهیات و حقوق، تیر، شماره ۳.
- معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی معین، تهران، امیر کبیر.
- مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۱.
- یکتایی، مجید (بی تا). تاریخ تمدن و فرهنگ، تهران، گوتنبرگ.
- یوسفی غروی، محمد هادی (۱۳۹۲). تاریخ تحقیقی اسلام، ترجمه حسین علی عربی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲.
- یوسفی، حسین علی (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی ۱ و ۲، تهران، نشر روزگار.